

یا

خاندانهای حکومتگرایان

-۷-

خاندان فیروز

نصرت الدوله

دختر مظفرالدینشاه شوهر و بویژه نصرت الدوله فرزند خود را پخوبی
نمیشناخت و اگر از عملیات فرزندش آگاه بود هرگز دست بدین تشبیهات
نمیزد .

بررسی گزارشات (بالفور ، هاردینگ ، گرزن ، نورمان ،
کاکس...) و اسناد وزارت امور خارجه بریتانیا پخوبی پرده از ماهیت سیاسی
پسر فرمانفرما برمی گیرد در این میان جنرل دکرزن که بقول خودداری یکنوع
مستی سیاسی (Political Inebriety) و یا بنوشته (ارل اف رونالد
شای) و محمود محمود مبتلی به جنون سیاست بود (۱) هیچکس بر عملیات
جنون آمیز نصرت الدوله صحه نمیکذاشت .

نصرت الدوله در راه انکلیسی کردن ایران از هیچ اقدام ضد ملی و استعمار
گرانه خودداری نمیکرد و بگمانش با این خوش رقصی ها بهتر میتواند نو کر مایی

۱- تاریخ روابط سیاسی ۱۷۵۷/۶ و - The Life Of Lord

Curzon : E. R. 3vls

کاظم اتحاد روزنامه نویس که خود در این دوره نماینده مجلس بوده است درباره او می نویسد: (شاهزاده فیروزیک رجل سیاسی و عاقل و مدبر و در مسائل عمیق و تحصیل کرده و در عین حال پشت هم انداز بود وقتی در مجلس سمت نمایندگی داشت بدون اینکه در یکی از فراکسیونهای پارلمانی عضویت و یا تمهیدی قبول نماید زمام امور اکثریت را در دست گرفته بود. . .

بدون دخالت مشارالیه کوچکترین مسئله ای از مسائل مملکت حل و فصل نمیشد و اگر برای دخالت او و وانمی پیش می آمد بطریق غیر معمولی و غیر مستقیم آن موانع را بر طرف می نمود منزل نصرت الدوله باندازه کلوب و باشگاه یک حزب منظم و قوی مرکز حل و فصل امور سیاسی بود.)

شخصیت نصرت الدوله از جهات مختلف مورد توجه رفود قرار گرفت طبق نصایح سیمرخ او بین دو پیشوای با شخصیت و بزرگ سیاسی آن زمان مدرس و مشیرالدوله را بهم زد مشیرالدوله با نطقی که بقول عشقی (مشت همه را وا کرد) از نخست وزیری کنار گرفت و اینچنین نخستین خدشه به ساحت قدس و ملی مدرس وارد آمد. ولی هنوز سیمرخ زیاد کار داشت. بنابراین لازم بود این سید یکدنده بیشتر لکه داریو بد نام شود، تا باسانی بتوان یقه او را از آن پایگاه بر سر پاکی و قدس بر گرفت، و بر خاک مذلت فرو کوفت.

نصرت الدوله هر چه بیشتر خود را به مدرس نزدیک میکرد این تقرب باعث بیشتر جدایی مدرس از مردم میشد.

بیچاره مدرس سالها ذره ذره آبرو جمع کرده بود حال این همه نیرو و آبرو را بر سر بی آبرویی نصرت الدوله گذاشت دفاع یک مرد پاک و وطنپرست و ضد بیگانه و یک آخوند ساده از یک دیپلمات ماکیا و لیست و آنکلوئیل کار آسانی نبود ولی بهر صورت اینکار بگردن مدرس افتاد.

مدرس گرچه از نصرت الدوله دفاع میکند ولی چون نتیجه تطهیر بود دامن پاک آقا نیز آلوده میگردد. این چند جمله آخر نطق مدرس تحت عنوان (حیوان جلال) کثافتخوار در مجلس بود:

در اینکه نصرت الدوله علف هرزه خورده است جای هیچ شبهه و تردید نیست ولی می گوید توبه کرده ام اگر چه توبه گرگ مرگ است ولی بقیده من خوب است فایده وجودی او را برای وضع حالیه در نظر آورده او را بپذیریم. تا ضمناً معلوم شود تا چه اندازه در توبه خود پایداری خواهد کرد... (۱)

مدرس تا رفت به اهمیت گناه سیاسی خود، رنجاندن مشیرالدوله و سلیمان میرزا، دواقتان از مردم، متهم شدن بهزار گرایش های درونی و بیرونی پی برد دید بین او و نصرت الدوله فرسنگها فاصله افتاده است تمام مظلמהا بر گردن او بماند زرها را فیر و زیبرد.

توبه هرگز هرگز است

بهنگام معرفی همین کابینه موریس پرنو در تهران بود و می نویسد نخست وزیر برای معرفی هیأت وزیران پشت تریبون پارلمان قرار گرفت اما در اینوقت یکی از نمایندگان بطرف کرسی خطاب به رفت وی سلیمان میرزا (محسن اسکندری) رئیس دسته دموکرات و لیدر جدید مخالف بود، گفت فیروز خائن است گذشته سیاسی او ویرا محکوم میکند مجلس مفسخ شد و بهم خورد.

با تشکیل مجلس کارها برای آغاز سلسله پهلوی روبراه گردید در این تدارکات نصرت الدوله از عوامل مهم بشمار می رفت عباس اسکندری در اینمورد مینویسد: (پیش از اینکه مجلس رأی خود را بدهد حکومت وقت که نصرت الدوله و شاگرد ارسطو و پیردار معظم خراسانی گرداننده واقعی آن بودند بنا بر پیش بینی و صلاح اندیشی دستور توقیف ولیعهد را در عمارت گلستان صادر نمودند) سپس نویسنده خوش قرصی یادوهارا از راه توهین بولیعهد بمنظور نزدیکی بیشتر بمرکز قدرت چنین مینویسد: (بیهانه اینکه اصلحه نداشته باشد مدتی تا زیر پیراهن ولیعهد را (۱) تفتیش میکنند و مثنی زنان ایرانی را که وسیله کامجویی ولیعهد هوسران قرار گرفته بود مورد توهین ضد انسانی قرار میدهند.

نصرت الدوله به همراه داور و تیمورتاش از ارکان اصلی استقرار قدرت بشمار میرفتند اسکندری باین سه کن نام حکومت مثلث (Trim viral) میدهد، ولی باید دید کدامیک از این سه شخصیت برتری فکری و سیاسی نسبت بدیگران داشت.

طرد دکتر میلیسپو

پول و اعتبار عامل مهم هر سازمان است وجود دکتر میلیسپو در وزارت دارایی نصرت الدوله عامل نامحرم و اخلال بزرگ بود بخصوص اگر این عامل از (ینگی دنیا) باشد نصرت الدوله که در کمین دکتر بود خیر زمینه سازی کودتای

کتاب آرزو شماره ۸۷ روزنامه سیاست.

امیر جان محمد خان فرمانده لشکر شرق بهانه‌یی بدست شاهزاده داد تا نقشه‌دیرین خود را انجام دهد.

وقتی رضاشاه از توطئه آگاه می‌شود تصمیم می‌گیرد خود پیشوازه حادثه رود نطفه خیانت را در رحم خفه کند.

نصرت‌الدوله در اینموقع با صورت حق بجانب پوست خریزه را زیر پای دکتر میلسپو میاندازد، مستشار مالیه بی آنکه از اهمیت سفر نظامی شاه بخراسان آگاه باشد با هزینه نظامی این مأموریت مخالفت می‌کند. شاه، ناگزیر با پول بانک شاهی ولی با دلی پر از مستشار آمریکایی بسوی خراسان میرود.

این جاست که نصرت‌الدوله ضرب به کاری خود را نزد شاه بردکتر وارد میسازد، وجود او را مخمل کار میداند.

ولی باید دانست که این خود نصرت‌الدوله بود که در سال ۱۳۰۱ در استخدام دکتر نقش فعال داشت البته آنروزها که قدرت در حال میمان بود در برابر همسایه شمال لازم بنظر می‌رسید امریکائیان را وارد میدان کنند از اینرو وی استخدام دکتر میلسپو را در پارلمان ایران يك (دفرم جدید در مالیه ایران) می‌دانست و گویا بخاطر این دودوزه بازی کردن فیروز بود که عشقی میسراید:

شهبازده فیروز آن خائن . . .

هم صیغه کرزن بدو هم فکر ددر بود

ولی حال نه تنها وجود میلسپو لازم نیست بلکه با این مزاحمت زیان بخش نیز هست دولت هزار بودجه و کار سری و نظامی دارد که با تفتیش يك امریکایی جور در نیاید و آنکه بی خود یاران سه گانه هزار خرج وسند دارند که باید بی رؤیت امریکائیان جریان یابد.

استاد سخن مرحوم وحید دستگردی مدیر مجله ارمغان در معرفی نصرت‌الدوله فیروز قصیده‌ای میسراید و طی آن چنین می‌گوید:

دو وطنخواه !!

در وطن دوستی دو تن سمرند (۱)
که خطر بسکه دیده بی‌خطرند
هر دو بر حضم مملکت شردند...

دی مرا ساده دل رفیقی گفت
نصرت‌الدوله و . . . زاده
هر دو بر لیلی وطن مجنون

۱- سمر - مشهور

نقش پرداز خیر و نقش شرند
هر دو بر فرق معدلت تبرند
زشت خوی و شریر و بد گهرند...
همچو قارون قرین گنج وزرند
نه به ده ده خدا نه برزگرند
نه کرایه کش و نه پيله وزند
روز غارت طلايه هنرند
متمایل به خصم بوم و برند
در بر خویش همچو شیر فرند
در ره عیش و نوش رهسپرند
همسر لعبتان مه سپرند
دست یازان زلف سیم برند
روزانده گسار بسر بشرند
نه بر اهل وطن به مویه درند
از حدود و حقوق بی خبرند
کار دیگر اگر کنند خرنند
چه کنندار غم وطن نخورند...

گفتم ای ساده این دو نقش عجیب
هر دو بر چشم معرفت تبرند
هوچی و بیسواد و نا زیبا
این گدایان تو خود بگو ز کجا
نه خداوندگار صنعت و کسب
نه درو پیشه و نه خرمن کوب
با چنین ذات از هنر عاری
متحرک به حرکت اغیار
پیش بیگانه رو به ماده
گاه اندر اروپ و گاه ایران
همدم مهوشان سیم اندام
لیسه بازان آس و شطر نچند
شب ترانه نیوش و باد گسار
نه برای وطن سرشک افشان
با چنین ملتی که چون من و تو
جز وطن خوانی از برای فروش
سیم و زر از کجا بیند و زند

خواجه نوری در ایجاد این وسوسه بوسیله نصرت الدوله در تیمورتاش
و زمینه سازی برای طرد دکتر میلسپو می نویسد : (اگر تشکیلات قسمتهای
مختلف ایران را بمنحصص رجوع کنند و سازمان کشور طوری بشود که هر
چرخه مثل ساعت وظیفه خود را انجام دهد دیگر کسی می شود در هر سوراخی
اعمال نفوذ کرد يك نمونه برای اثبات این موضوع کافی است و آن وجود يك
نفر بمنحصص امریکائی است در مالیه به بین چطور نخ سرکیسه را بدست گرفته
مو را از ماست می کشد اگر او برود مالیه هم بی حساب بدست خود دمان میاقتد
و دیگر حواله ها و دستوراتمان در تصویب این دکتر میلسپو امریکائی گیر
نمی افتد رشته مادی جان کشور بسته ب صندوق پول است و کلیدش هم بدست يك
متخصص بیگانه ایست که نه اعتنائی بسوابق ما دارد و نه برایمان تره خورد
می کند .

بنا بر این تا اوهست ما هرگز قدرت حقیقی را بدست نخواهیم آورد
چون هر امری بپول برمی خورد و پول هم پیش اوست.

خلاصه نصرت‌الدوله بطوری وسوسه کرد که بالاخره متخصص بسیار مفید خدمت‌گزار ایران یعنی دکتر میلیسپو را از ایران رانند یعنی با تیر خود خواهی ستون بنای اقتصادی این کشور فقیر را که تازه داشت بر روی اصول تخصصی بالایی رفت از پادر آوردند و با زبل بشو در مالیه حکم فرما شد و خورده خورده با تشکیلات من در آوردی هر یک از وزراء و یا مالیات‌های غیر متناسب ثروت فنا کن و با مخارج هنگفت بلهوسانه خالی از سود آخرین رمق این ملت در نجات دیده کشیده شد . در نتیجه به این روز افتاد که می بینیم . (۱)

یکی از کسانی که در مجلس بدفاع از دکتر و مخالفت با نصرت‌الدوله قیام کرد . دکتر مصدق بود که با دلایل متقن وجود و خدمات او را شرح داد ... کاظم اتحاد مدیر روزنامه اتحاد که در این موقع نماینده مجلس بوده در یادداشت‌های خود بعنوان «تاریخچه مستشاران امریکائی» در معرفی معرک زوار نماینده مجلس که بدکتر میلیسپو حمله می کند چنین می نویسد: «تردید نبوده که این نطق بتحریر نصرت‌الدوله وزیر مالیه ایراد شده بود زیرا اشارتیه داوطلب شده بود میلیسپو را از کار خارج نماید» .

با این نقشه حضرت والا مدافع سرسخت سابق میلیسپو ، میسیون مالی امریکائی را که در این سفر واقعاً خوب کار کرده ما را از بحران مالی نجات داده خزانه تهی را پر کرده بودند موقع رفتن از ایران یکصد و هفتاد و شش میلیون ریال وجه تحویل ما دادند (با پشت هم اندازی و دسته بندی اخراج کرد (۲)

اینچنین موی دماغ سازمان مالی از حدود قلمرو حکومت مثلث دور شد و دست گردانندگان قدرت برای هر گونه عمل باز گردید ولی همانطوری که اشاره شد در هیچ سازمان برابری کامل در نبوغ و استعداد نیست بهتر است در این جایز بررسی پیردازیم تا معلوم شود از اعضاء حکومت مثلث کدامیک مغز متفکر و نقشه کش اصلی بود .

۱- بازیگران عصر طلایی صفحه ۷۳

۲- مجله خواندنیها شماره ۴۸۶ و تیرماه ۱۳۲۸ و ...

نخست وزیری حضرت والا

نصرت‌الدوله درآلوده ساختن رجال و روشنفکران و سوق آنان بپاراف (ابزار کار) نقش حساسی داشت. او بود که داور و تیمور تاش را گه راه کرد.

او در آغاز بازگشت از اروپا بسال ۱۲۹۶ خ. مجله‌یی بنام (علمی) درست کرد گروهی از روشنفکران خوشنام را برای اغوای نسل نو آنروز به دام انداخت ولی همکاران او بزودی از روابط غیرطبیعی و نوکرمانه او با سفارت انگلیس و جرج چرچیل آگاه و ناگزیر برای خنثی کردن کار او مجله را تعطیل و سپس منحل کردند.

بنا بنوشته میرزا یحیی دولت‌آبادی، فیروز نظر تیمور تاش را با این برنامه موافق میکند که از خود خواهی و ریاست طلبی مخبر السلطنه استفاده نمایند بعنوان نخست وزیر اسمی او را سرکار بیاورند، ولی کارگردان صحنه سیاست خود باشند. قرار و معامله سیاسی آنان با مخبر السلطنه چنین می‌شود:

(نام ریاست وزراء با مخبر السلطنه باشد ولی کارش با نصرت‌الدوله و تیمور تاش ۱).

نتیجه این عمل و تضعیف کابینه آن می‌شود وقتی به درگاهی رئیس رئیس شهر بانی دستور داده میشود نصرت‌الدوله را بازداشت نمایند وی بی مراجعه به نخست وزیر، عضو کابینه مخبر السلطنه و در واقع رئیس کابینه هدایت را زندانی میکنند و به محاکمه میکشند.

فیروز در کنار رضا شاه بر قله قدرت رسیده بود بر صدر این قله یکنفر بیشتر نمیتواند قرار گیرد در فیروز این انصاف و مردانگی و حفظ ممانی اخلاقی نبود که سپاسگذار رضا شاه باشد با چشم پوشی از ناروژدن به او بعنوان یک همکار صدیق بکار پردازد.

و شاید بقول گروهی دیدند رضا شاه اهل پاتیک و معامله نیست که بتواند از او استفاده کنند بنا بر این اگر نصرت‌الدوله در رأس حکومت قوی ایران قرار گیرد با دست عاقد قرار داد ۱۹۱۹ عضو کمیته آهن مستر هیک، عضو کمیته زرگنده کودتا، دارنده مدال‌های خدمتگزاری به

بریتانیا بهتر میتوان اسب قدرت را در میدان مطامع جولان در آورد.

فارس مستعدترین منطقه نفوذ ارباب است مگر نه این است که فرمانفرما در آن جا چه بر سر مردم آورد سالار حشمت قشقائی همان کسی بود که بدست پدر نصرت الدوله حلقه غلامی ارباب را بگوش کرد.

کمپانی خیانت ارباب در یکی از شبها در محل قابل اعتماد باحضور (فیروز ، صام الدوله ، قوام الملك ، سالار حشمت قشقائی) ، تشکیل شد ...

سر لشکر محمد حسین فیروز فرمانده قوای ژاندارمری جنوب صام الدوله استاندار فارس بود قوام الملك و سالار حشمت نیز عهده دار ایلات گردیدند تا با يك كنتر کودتا به جای رضا شاه بنشینند . طراح نقشه نصرت الدوله بود ...

درست است تمام اینان از اعمال ارباب هستند ولی باید خود ارباب نیز از نزدیک رهبری کند.

هیأتی بنام (مطالعات ارضی) بریاست مستر لانس راه کوههای فارس را پیش گرفت با این مستمسک جاسوسان انگلیسی در نقاط مورد نظر پراکنده شدند .

نصرت الدوله در تهران گوش بزنگ بود که زمام امور کشور را بدست گیرد .

ولی در شب عاشورا (۱۸ خرداد ۱۳۰۸) وقتی باشاه از تکیه دولت خارج میشد و دوش بدوش شاه را میرفت در گاهی او را از شاه جدا کرد و با خود ببرد .

حیل المتین در اینباره مینویسد : (مرتکبین غائله جنوب که تاکنون ظاهر شده برخی از آنان هم گرفتار آمده اند همان دستهای جنایت کارانی بود که همه بطرفداری و جاسوسی معروف بوده مثل فیروز میرزا و برادرش محمد حسین میرزا فرزندان خلف فرمانفرما که بطرفداری انگلستان شهرت داشته و عملیات آنها نیز تا امروز نموده است که در راه دولت انگلیس جز از پول از همه چیز گذشته اند (۱)

۱- حیل المتین شماره ۳۰ و ۴۱ ۸ مرداد ۱۳۰۸ (۳۰ ژوئیه

۱۹۲۹) .

کشف این کودتا رضاشاه را ناراحت کرد انگلستان دید نه تنها کاری صورت نگرفت بلکه این عمل دارد به اساس روابط پیشین او و ایران لطمه وارد میسازد. بنابراین این مقامات بریتانیا با شتاب به خنثی کردن اثرات آن پرداختند.

موضوع کودتا در مجلس عوام انگلستان مطرح شد و دولت انگلستان این خبر را شایعه‌یی بیش ندانست و آن را تکذیب کرد.

گروهی معتقدند نظر اصلی سیمرغ ایجاد کودتا بمعنای اصلی خود نبود منظور یکتای تظاهر سیاسی و نظامی بود تا از آن در استحکام نفوذ خود در منطقه خلیج فارس استفاده کند.

در اینروزها مسئله امنیت خلیج فارس و موقعیت بعضی پایگاههای دریایی نظیر بحرین در جامعه ملل مطرح بود بعنوان يك گام در راه نفوذ بیشتر در بحرین از مسافران ایرانی گذرنامه می‌طلبیدند ایران بدین عمل سخت اعتراض کرده بود و آنکهی بدستور شاه سفارششش رزمناو به کشور ایتالیا داده بودند مجموع اینان سیمرغ را نگران کرده بود. بنابراین بعنوان نافرشت این تظاهر ضد مرکزیت را در فارس براه انداختند.

ولی انعکاسات داخلی این واقعه نوع دیگر بود بهتر است در این باره قلم بدست روز نامه اطلاعات بدهیم. مسمودی تنها روز نامه نویس خبری منظم عصرانه علت سقوط نصرت الدوله و اخراج او را از کابینه چنین مینویسد:

«در جلسه ۲۶ اسفند مرحوم داور وزیر عدلیه لایحه‌ای به مجلس تقدیم کرد بتصویب رسید از این قرار نظر باصل ۲۵ و ۶۹ و ۷۰ متمم قانون اساسی و نظر بقانون محاکمه وزراء نظر بر ابرت پارکه دیوان جزا وزارت عدله تقاضا می‌کنند که آقای فیروز میرزا وزیر مالیه سابق بمناسبت ارتشاء مورد تعقیب واقع گردد.

خلاصه راپرت مرحوم کاظم صدر مدعی العموم این بود که در ضمن تعقیب دوسیه انبار غله اطلاع حاصل شده که اداره انبار در سال ۱۳۰۷ قراردادی با ارباب علی آقا یزدی منعقد نموده است باین مضمون که ارباب متعهد می‌شود. پانصد خروار جنس از قراء املاک حومه شهر تهران مطابق نرخ

معینه باداره ارزاق بفروشد در مقابل اداره سه هزار تومان نقداً بطور مساعدہ بمشارالیه پرداختہ در حمل جنس نیز باو کمک مینماید اداره تأمینات درصدد جستجوی اصل قرارداد برآمده پس از تحقیقات از اداره انبار معلوم شد کہ اولاً قرارداد برای ۲۵۰ خروار بوده و بعداً آنرا پانصد خروار نموده اند . ثانیاً قرارداد را محرمانہ بستانند ثالثاً آقای فیروز میرزا در ذیل آن دستور اجرا داده است.

پس از تحقیقات گفته می شود ، کہ مبلغ پنجهزار تومان تحت عنوان تحویل جنس ولی در حقیقت بآقای نصرت الدوله فیروز بابت رشوه داده شد کہ حسن آقای مهدوی فرزند مرحوم امین الضرب برای رفع توقیف املاک خود این مبلغ را بہ آقای نصرت الدوله باین وسیله و عنوان داده است. درجای دیگر مهدوی در حضور چند نفر صریحاً گفته است کہ جنس تحویل شده بابت شانزده هزار تومانست کہ آقای نصرت الدوله برای رفع توقیف املاک من دریافت داشته و معامله ارباب علی آقا صوری بوده است ، و باز متذکر می شود کہ تعقیب و کشف موضوع در زمان تصدی در گاهی بود روزی کہ سرتیپ در گاهی رئیس نظمیه مأمور تعقیب نصرت الدوله می شود روزی بود کہ شاه فقید با وزیران خود در مجلس روضه خوانی تکیه دولت حضور داشت در یکی از روزهای ۱۳۰۸ هنوز مجلس روضه تمام نشده بود کہ اعلیحضرت برائروصول گزارشاتی علیہ نصرت الدوله در گاهی را کہ در مجلس روضه حاضر بود مأمور کرد نصرت الدوله را تحت نظر بگیرد.

بین ایندو نثار شدیدی از سابق موجود بود علتش هم این بود کہ نصرت الدوله دست راست مرحوم تیمورتاش بود در گاهی میل داشت قدرت تیمورتاش را خورد کند باین جهت همین کہ این دستور از جانب شاه صادر می شود در گاهی فیروز را بخارج مجلس خوانده می گوید : تحت نظر من هستی بفرمائید در اتومبیل این واقعه در آن روز بسیار عجیب بود ابتدا او با بی اعتنائی تلقی کرده و بعد متوجه شد کہ خیر براستی وزیر نیست یک زندانی بیش نمی باشد ...

در گاهی او را در اتومبیل گذاشته بخانه اش برد، تا وقتی محاکمه

شروع شد

نصرت الدوله وزیر دارائی کابینه مخبر السلطنه (مهدیقای هدایت) بود

بد نیست برای شناخت نحوه تشکیل دولت و میزان اختیارات آنان نظر نخست وزیر را درباره وزیرش بخوانید: (علت زنجش شاه از نصرت الدوله به این غلظت معلوم شد حدس من این شد که باید ارتباط با صارم الدوله و قضایای فارس داشته باشد (۱)

با اینکه پسر فرمانفرما در مرد آورد روستای شخصی خود تحت نظر بود باقتضای طبیعت عقرب صفت بیکار نمی نشیند، گویا بوسیله مستأجر فرانسوی منزلی خانم کلاراک با مطبوعات فرانسه ارتباط می یابد بنای بد گویی به دستگاه را می گذارد. (۲)

باعتراف سر تیپ مختاری رئیس شهر بانی وقت وی (باکاردار سفارت فرانسه در ایران بدسایس علیه رژیم ایران می پردازد (۳) بر اثر گزارشات مختاری با بازداشت او موافقت می شود اینچنین وی از مرد آورد به زندان می رود.

عیاس اسکندری در دنباله کتاب آرزو در شماره ۹۳ روزنامه سیاست و در قسمت اول ادعای نامه دادستان علیه مسبین بدیختی بیست ساله ایران در اینمورد چنین مینویسد:

«نصرت الدوله اولین کسی بود از حکومت مثلث که از دایره بازیگران خارج شد محبوس و تبعید گردید ولی از همه آنها فهمیده تر و قوی تر بود به همان دلیل بعد از آن که دو رفیق دیگر او جان سپردند او هنوز تلاش و تقلا و مبارزه می کرد.

بالاخره بعد از حبس از تهران به سمنان انتقال داده شد و در آنجا چنانچه در دوسیمه مربوطه مضبوط است مختاری رئیس شهر بانی ما مورمخصوص از طهران روانه و در آن جا برشته حیات او خاتمه داد ... (۴)

از وصیتنامهها و اسنادی که در اینروزها از فیروز باقیست وی خود را (بی تقصیر، بی گناه و معصوم صرف (۵) معرفی می کند.

چگونه عامل کشتار آزادی خواهان در کرمان، قاتل مشروطه طلبان بنام در سمنان عاقد قرارداد ۱۹۱۹، وطن فروش بنام جامعه ایرانی... خود را بیگناه و بی تقصیر حتی معصوم صرف! می شمارد.

بهر حال نصرت الدوله در ۲۰ دیماه ۱۳۱۶ خ، از بین می رود و از او يك دختر بنام لیلی و سه پسر پناههای مظفر، شاهرخ، ایرج، باقی میماند ...

۱- مجله خواندنیها شماره مسلسل ۱۴۰- ۵ خرداد ۱۳۲۴

۲ و ۳ و ۴- کتاب از شهریور ۱۳۲۰ تا فاجعه آذربایجان ص ۱۸۹

شماره ۱۴